3rd. International Conference on
Literature and Linguistics
سومین کنفرانس بین المللی ادبیات و زبان شناسی
July 2018 | تیرماه ۱۳۹۷
Archive of SID

بررسی تطبیقی اسطوره در شعر علی جعفر العلاق و مهدی اخوان ثالث

بهاره نیری

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران Bnayeri73@gmail.com

چکیده

اسطوره پیوند بسیار نزدیکی با هنر، به ویژه شعر دارد. اسطوره در فرهنگ و تمدن یک ملت ریشه دارد؛ و ادبیات، یکی از عوامل جاودانگی و حیات فرهنگ و تمدن ملت هاست. شاعران اسطوره ها، باورها و رویاهای مهم و کهن اقوام خود را می پرورانند و در نتیجه پیوند با اسطوره دوران کهن تا باورهای زمان خویش، طی یک جریان درونی در ناخوداگاه جمعی، به پویایی و بازآفرینی آنها می پردازند. گرایش اسطوره ای در شعر عربی و فارسی معاصر به معنای حقیقی آن که شاعران کاربرد اسطوره ای را برای غایتی اسطوره ای در نظر داشتند و وظیفه ای بر دوش اسطوره نهادند؛ بعد از نیمه قرن بیستم استواری یافت. از شاعرانی که به این گرایش اهتمام نشان دادند علی جعفر العلاق و مهدی اخوان ثالث هستند که از عناصر اسطوره ای مثل سیمرغ، گیلگمش، آنیما، غول، انبیاء الهی و شخصیت های دینی به واکاوی مفاهیم آنها در اشعار خویش پرداخته اند که متناسب با وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور عراق و ایران می باشد. نگارنده در این مقاله با رویکرد توصیفی تحلیلی بدان پرداخته است.

کلیدواژه ها: رمز، علی جعفر العلاق، اسطوره، رمز، مهدی اخوان ثالث، شعر معاصر.

۱- بیان مسأله

شعر به‌عنوان یکی از از دو رکن اصلی ادبیات، همواره مورد توجه و اهتمام ملّت‌ها بوده و هست. ویژگی‌هایی همچون وزن، قافیه، خیال و عاطفه از شعر کلامی منحصر به فرد می سازد. وآن را پیچیده تر و پر رمز و رازتر از نثر قرار می دهد. از آن جا که هدف شعر تاثیرگذاری بر احساسات و عواطف مخاطب است؛ هم در شکل و هم در محتوا با کلام عادی تفاوت دارد. در واقع شاعر واقعیت ها را نه آن گونه که هستند، بلکه آن-گونه که احساس می کند بیان می دارد. لذا همهٔ عناصر تشکیل دهندهٔ شعر و آنچه که به زبان تصویر هم-چون تشبیه، مجاز، کنایه، و استعاره ارایه می شود، فراتر از سخن عادی است. زیرا با احساس شاعرانه در هم می آمیزد و با تجربهٔ شاعرانه بیان می شود. این ویژگی ها باعث می-شود شعر در مرتبهٔ بالاتری از نثر قرار بگیرد و به همان اندازه که با کلام عادی متفاوت است، ترجمهٔ آن نیز به همان میزان دشوار، پیچیده و در برخی موارد ناممکن باشد. در واقع «شاعر با هر سروده اش ما را به فضایی تازه می-برد و با هر بیت شعر مه-آلودگی فضا بیشتر می-شود و خواننده یا شنونده نمی تواند چهرهٔ شاعر را از آن میان بوضوح ببیند. سخن ادبیانه همواره دارای مضامین حسی و عاطفی است و در سرشت خود آمیخته به ابهام است. وجود این ابهام ها در واژه های ادبی و در نتیجهٔ گستردگی و تنوع معانی موجب شده ترجمهٔ ادبیات از زبانی به زبان دیگر از دشوارترین کارها باشد. مترجم هر چند در زبان مادری خود ادیب و سخن شناس باشد، به سبب همین گستردگی و ابهام، نخواهد توانست واژه های مورد استفادهٔ سخن پرداز دیگری را چنان که شایسته است بی کم و کاست ترجمه کند» (ضیف، ۱۳۷۶: ۹).شاعر معاصر که به باز آفرینی اساطیر می پردازد و درون مایه‌های رهایی بخشی و زایندهٔ آن را با نیاز جامعه اش مطابقت می دهد همان شاعریست، که در بازسازی مجدد یک اسطوره به اهداف واقعی خود نایل شده و آن را با اندیشه ها و آرزوهای جامعه اش منطبق داده است . امروزه اسطوره، نشانگر تلاش انسان باستان در تفسیر کلامیِ هستی و پدیده های موجود در آنها و ارتباط انسان، با آنها بوده است (خورشید،۲۰۰۲ :۲۰) و درباره معنا و ریشه اسطوره ، سخنان فراوانی بیان شده ، فرهنگ نویسان تازی، اسطوره را واژه ای تازی دانسته بر وزن «افعولة» به معنای افسانه ها و سخنان بی بنیاد و شگفت آور که به نگارش در آمده باشند.(کزازی،۱۳۷۲ :۱)، وحال آنکه در به کارگیری اسطوره برای اولین بار، اقوال مختلفی گفته شده ، که جیوسی اذعان کرده؛ اسطوره اولین بار در کتاب «اشک و لبخند» در قطعه روایی «دیدار» که جبران خلیل جبران در سال ۱۹۱۴ میلادی آن را منتشر کرده به کار رفته است (الخضراء الجیوسی ،۲۰۰۱ :۷۹۴) واز سوی دیگر ، چنین بیان کرده اند ؛ اندیشه کاربرد اسطوره را اولین بار سلیمان البستانی، با ترجمه کتاب ایلیاد هومر در سال ۱۹۰۴ میلادی وارد دنیای عرب کرد، حال از جانب آخر عبدالحمید در کتابش «رویکردهای جدید در شعر معاصر عربی» چنین بیان می کند که یوسف الخال نخستین شاعری است، که به معنای دقیق کلمه، اسطوره را در شعر خود به کار بست و به گونه های مختلف آن را دستمایه اصلی شعر خود قرار داده است (الجیدة ،۱۹۸۰ :۲۳۱).

www.SID.ir

Archive of SID

و مقاله حاضر در بیان اسطوره پرومته می باشد ، که از آن دسته اسطوره هایی می باشد که شاعر برای ترسیم درد و رنج های خود مدد جسته است (عباس ،۲۰۰۱ :۱۲۹-۱۳۰) اسطوره ها، بن مایه و ریشه پنهان و قدیمی بسیاری از متون ادبی و داستانی به شمار می آیند، که داستان های هستند که از صورت شفاهی به صورت مکتوب ادبی تقل شده اند ، و راه داستان پردازی را برای امروز بشریت هموار نموده اند ،که در باب پیوند متقابل فرهنگ شفاهی که اساطیر بخشی تاگسستنی از آن لحاظ می شود ، لذا ولک با نظریه های ادبی چنین اذعان می کند ؛ ما باید این نظر را بپذیریم که مطالعه فرهنگ شفاهی، بخش جدایی ناپذیر پژوهش ادبی ، است؛ زیرا نمی توان آن را از مطالعه آثار مکتوب جدا کرد وبین ادبیات مکتوب و شفاهی ، پیوسته تأثیر متقابلی وجود داشته است (ولک ،۱۳۷۳ :۴۱-۴۲) . حال هر چند که باشد ، امروز کاربرد اسطوره در شعر معاصر به اندازه ای است که شعر جدید را «شعر اسطوره» نام نهاده اند (حمّود ،۱۹۹۶ :۵۵) و چنان این عنصر با این شعر پیوند خورده که برخی از منتقدان گفته اند ، در هیچ زمان شعر اینقدر به روح اسطوره نزدیک نبوده که امروزه هست (اسماعیل ،۱۹۹۸ :۲۲)) از آنجایی که این تحقیق بر اساس نظریه ی فرانسوی ادبیات تطبیقی انجام می شود، نخست باید شرایط انجام پژوهش تطبیقی بر پایه ی این نظریه وجود داشته باشد. در نظریه ی فرانسوی دو اصل برای انجام پژوهش تطبیقی میان دو اثر یا جریان ادبی لازم است: الف) میان دو اثر یا جریان ادبی مورد مقایسه اختلاف زبانی وجود داشته باشد؛ ب) میان دو اثر یا جریان ادبی امکان تأثیر و تأثّر و ارتباط تاریخی وجود داشته باشد (کفافی،۱۳۸۲: ۱۷) در این پژوهش نگارنده با دیدگاه تطبیقی اسطوره شناختی به بررسی و تحلیل درباره نمادها و اسطوره های بکار رفته در اشعار علی جعفر العلاق و مهدی اخوان ثالث شاعر معاصر عراقی و ایرانی می پردازد.سوالاتی که در این پژوهش مطرح است چنین می باشد: نخست: چه نوع اساطیری در شعر علی جعفر العلاق و اخوان ثالث جلوه پیدا کرده است؟ انگیزه دو شاعر از بازتاب این اساطیر کهن و دینی در بین قصاید خود چه بوده است؟

۲- پیشینهٔ تحقیق

در رابطه با اسطوره و کارکرد آن در شعر معاصر عربی پژوهش های مستقلی صورت پذیرفته که به شرح ذیل است: الأسطورة فی الشعر المعاصر توسط أسعد رزوق در سال ۱۹۹۰ منتشر شده است که این پژوهش به فرآیند بکارگیری اسطوره ها در شعر شاعران تموزی پرداخته است . در اثر دیگری «الأساطیر» از احمد کمال مطالبی را پیرامون تطبیق تمدّن های مختلف، به لحاظ کاربرد اسطوره در آثارشان در خود جای داده است. الأسطورة فی اشعار العربی الحدیث از انس داود به بحث پیرامون اسطوره و شعر معاصر عرب و ارتباط این دو با یکدیگر می پردازد. از مقالاتی که در این باب چاپ شده اند می توان به پایان نامه‌ای تحت عنوان «بنی التأطیر فی الخطاب النقدی دراسة فی نقدیة علی جعفر العلاق» توسط فائز هاتو عزیز الشرع در سال ۲۰۰۸ میلادی در دانشگاه المستنصریه دانشکده ادبیات چاپ رسیده است اشاره کرد. شایان ذکر است درباره بررسی تطبیقی رمز و اسطوره در شعر علی جعفر العلاق و مهدی اخوان ثالث تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در ایران و جهان عرب صورت نپذیرفته است.

۳- ضرورت تحقیق

بررسی ادبیات هر دوره‌ی تاریخی، از دیدگاه های گوناگون و به روش های مختلف، موب شناخت بیشتر شرایط فرهنگی و اجتماعی آن دوران می گردد. مروری بر پیشینه‌ی تحقیق نشان می دهد که ادبیات دهه دوم سده بیستم سرزمین عراق از دیدگاه های مختلف با روش های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است اما این برهه‌ی زمانی در کشور عراق که جایگاه خاصی در تاریخ ادبیات .این سرزمین دارد، از منظر اسطوره شناختی ادبیات چندان مورد توجه قرارنگرفته است. از این رو، بررسی رمز و اسطوره شناختی آثار ادبی این برهه ضروروی بنظر می رسد.

۴- اصطلاح اسطوره و رمز

واژه « اسطوره » در زبان پارسی ، وامواژه ای است، برگرفته از زبان عربی « الاسطورة » و« الاسطیرة» در زبان عرب به معنای روایت و حدیثی است که اصلی ندارد . اما این واژه عربی ، خود وامواژه ای است از اصل یونانی historia به معنای استفسار، تحقیق ، اطلاع، شرح و تاریخ؛ از دو جزء ترکیب یافته است: یکی واژه histor یا histor- ، به معنای داور و دیگری پسوند. ia– واژه histor یا مصدر یونانی idein ، به معنای دیدن، خویشاوند است. واژه های لاتینی videre ،به معنای دیدن، یونانیeidenai ، به معنای دانستن، سنسکریت vadya و اوستا vaedya ، به معنای دانش، و فارسی " نوید " ، به معنای خبر خوش ، مژده و بشارت ، با این واژه همریشه اند . ریشه هند و اروپایی نخستین این واژه های خویشاوند -vid است . در زبان عربی، اساطیر جمع مکسر واژه اسطوره است . در زبان پارسی نیز این صورت جمع بکار می رود ، اما از آن ، اغلب ، معنای مجموعه دستاورد یک قوم در این زمینه مستفاد می شود ، مانند اساطیر ایرانی ، اساطیر یونانی و جز آن ، که مقصود از آن تنها کنار هم چیدن تعدادی اسطوره پراکنده نیست. در لغت نامه های کهن عربی ، أساطیر (مشهورترین شکل مفرد آن اسطوره) را به معنای أباطیل و سخن های بی پایه و اساس می یابیم ، برخی گفته اند اساطیر جمع أسطَار، و أسطار جمع سطر است ، نیز گفته شده است جمع سطر ، أسطُر و جمع أسطُر ،أساطیر است ،برخی نیز بر این باورند که این واژه صورت مفرد ندارد (ر.ک به: ابن منظور ۱۴۱۲، ۲۵۷/۶) . به طور کلی می توان گفت که اسطوره به داستان های اطلاق می شود که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شوند که زمانی نزد اقوام باستانی حقیقت دانسته می شد اما امروزه از

www.SID.ir

Archive of SID

آن به عنوان افسانه یاد می شود و کمتر کسی آن را باور دارد ؛ اما قدرت نهفته از أساطیر از کجا نشأت گرفته که طی هزاران سال ، همچنان باقی مانده اند ؟ بی تردید ارائه تعریفی مشخص از اسطوره و معنای آن آسان نیست ؛ زیرا هر پژوهشگر و صاحب نظری از زاویه ای خاص به اسطوره نگریسته است . چرا که اسطوره رویداد گذشته را روایت نمی کند ، بلکه ابزاری است برای اثبات درستی امری ، در حال حاضر که گمان می رود در گذشته واقع شده است . و حال آنکه اسطوره ، دنیایی سرشار از استعاره به نویسندگان می بخشد که در آن ، هر چیزی را می توان با چیز دیگری همسان دانست .

۵- جایگاه اسطوره در شعر معاصر عربی و فارسی

شاعران معاصر توانسته اند شعر خود را از سایه سنگین رمانتیسم و غنایگری برهانند و با به کارگیری هنرمندانه شخصیتهای سنتی و بویژه اسطوره ای، ضمن عمیق شدن در مفاهیم اجتماعی و گریز از احساسات سطحی به اثر ادبی خود بُعد سمبولیک و نمادین بخشند و در پی آن از صراحت در گفتار بپرهیزند. به کار گیری اسطوره با ابعاد جدید آن ، این فرصت را به شاعران نوگرای معاصر عرب داد تا مفاهیم و مسائل موردنظر خود را با اسلوبی جدید به مخاطبان شعری خود ارائه دهند . ویک نوع آشنایی زدایی در طرح و ارائه آن مسائل به نمایش بگذارند . شاعران معاصر عرب با به کارگیری رمز و اسطوره توانستند شکل شعر را از ساختار مشخص و کلیشه ای فراتر ببرند و به قالبی نامحدود و کلیشه ای دست یابند . آنان با فن اسطوره تجربه معاصر فردی خود را تا سطح واقعیت های انسانی با مشخصه اسطوره ای پیش بردند. البته شاعران عرب در آثار ادبی خود بیش تر به اسطوره های غیر عربی گرایش نشان داده اند تا اسطوره های عربی! و طرفه آن که «اسطوره های شرقی از طریق شاعران غربی به شاعران معاصر عرب رسیده است (به نقل از ایوکی، جیدة ،۱۹۹۸ :۲۱) احسان عباس، استفاده از اسطوره را در شعر معاصر عرب یکی از جسورانه ترین رویکردهای انقلابی می داند (عباس ،۱۹۷۸ :۲۷)

۶- پردازش تحلیلی موضوع

کارل گوستاو یونگ، با گسترش و تکمیل نظریه‌ی ناخودآگاه فروید به ناخودآگاه فردی و ناخودآگاه جمعی، بر آن بود که «ناخودآگاه» درست در زیر آستانه‌ی خودآگاه قرار داد؛ اما در زیر ناخودآگاه فردی، لایه‌ی ژرف تری به نام «ناخودآگاه جمعی» قرار دارد که عمومی و فراگیر است و در همه‌ی افراد یکسان است و بنابراین لایه‌ی روانی مشترکی را تشکیل می دهد که سرشت فرافردی دارد درون فرد فرد ما حضور دارد (روتون، ۱۳۷۸: ۲۸) مجموعه شعرهای علی جعفر العلاق، سرشار از اسطوره‌ها، باورها و رویاهای جمعی است؛ شعری اجتماعی و کلّی که نشانه ها و نمادهای فرهنگی یا ملّت را در خود دارد. در واقع شعر علی جعفر العلاق، عصاره تمدّن و فرهنگ یک قوم است. دانش عمیق شاعر همراه با تنوع مفاهیم دینی و اسطوره ای و وسعت میراث ادبی، شعر او را از دیگران متمایز کرده است.

۶ -۱. اسطوره سندباد نماد نجات بخش و ویرانی

اسطورهٔ سندباد در کنار دو شخصیت دیگر هزار و یک شب یعنی «شهریار» و «شهرزاد» بیش از هر شخصیت فولکلوریک دیگر مورد توجه ادیبان و منتقدان بوده و هست. در اهمیت کتاب «هزار و یک شب» -که در نزد ما ایرانیان به «هزار افسانه» نیز معروف است- همین بس که بیش از سی خاورشناس از ملیّت‌های مختلف، به این کتاب و افسانه‌های آن پرداخته‌اند.(عواد، ۱۹۶۲ :۲۶) کتابی که تنها در قرن هجدهم سی بار در فرانسه و انگلیس به چاپ رسیده است. (القلماوی، ۱۹۵۹: ۵۷). از جمله شخصیت‌های فولکلوریک میراث ادب عربی حاضر در هزار و یک شب، که شاعران معاصر عربی برای بیان تجارب و تمایلات خویش از آن بهره گرفته‌اند و آن را بازآفرینی کرده‌اند، شخصیت افسانه‌ای «سندباد بحری» است. این شخصیت اسطوره ای نه تنها جایگاه ویژه‌ای در میان عرب‌ها دارد، بلکه توجه خاص شاعران غربی را نیز به خود جلب کرده است. سندباد با ثروت هنگفت پدرِ بازرگان و زبده و کاردانِ خود، مدت زمانی چنان به عیش و نوش می‌پردازد که تمامی اندوخته‌های پدر را بر باد می‌دهد. آنوقت که تهیدست می-شود به خود آمده. و بر آن می-شود همچون پدر، دست به سفر دریایی زند. این است که به قصد کسب ثروت و فرونشاندن میل فطری به ماجراجویی و کشف ناپیداها، دست به هفت سفر پرماجرا و سهمگین می‌زند، که البته با اتکاء به تدبیر و ابتکار شخصی و گاه بخت نیک خویش، بر تمامی مشکلات چیره می‌شود. (بلحاج، ۲۰۰۴: ۸۲-۱۰۹) علی جعفر العلاق از این رمز اسطوره ای کاربرد بیشتری در دیوان خویش داشته است:

حَطبٌ حلمُ السندباد ْ
ثمَّ ألمحَ مِن طَرفِ الحلمِ، ثانيـةً
جسدُ الملكةْ
تَتمازجُ فيها الحقيقةُ و الوهمُ ،

www.SID.ir

Archive of SID

و العشبُ بِالنارِ، و الموتُ بِالبركة . (العلاق،۱۹۹۸،ص۴۰)

علاق بنابر انگیزه ها و اهداف سیاسی– اجتماعی خویش، اسطورهٔ سندباد را در آثار خود به کار برده و از این اسطوره برای بیان احساسات خود، بـرانگیختن ملّت، اعتراض نسبت به واقعه‌ای نامطلوب و... سود جسته‌اند. او در قصیده ای دیگر چنین دلنشین به سفرهای سندباد گوش فرا می دهد که سندباد به عنوان منجی خواهد آمد:

أنا عائدٌ مِنها بِعطرِ ذُنوبی

و قد خفّ مِن شوقِ إليک معَ الفجرِ

أنا عائدٌ..

ليلی مرافیء لهفةً و اضالعی الظلماء حصيدٌ لهيبٌ قد جئت،

خلفی زغردتاتُ طيوبها مجنونة ». (الأقلام،الجزء۱۲)

تلاش سندباد ماجراجو، سودی در پی ندارد، و سرای او همچنان خموش و وحشت زده است، و فریادرسی هم در کار نیست! چیرگی بر پلیدی، سخت و طاقت فرساست و جایگزین کردن پاکی در انبوه ناپاکی ها مشکل می‌نماید. به بیان روشن‌تر، سندباد معاصر(علی جعفر العلاق) می‌خواهد بگوید: در جایی که همه، تن به زبونی و خواری داده‌اند و با جان و دل آنرا پذیرا شده‌اند تئوریِ «رهایی» جز با جانفشانی بی‌معنا خواهد بود؛

او در پی ماجراجویی‌های خود، هشتمین سفرش را تجربه می‌کند، البته نه درجستجوی گنج و کشف سرزمین‌های دوردست، که در جستجوی گمشده‌ای که او را احساس می‌کند امّا نمی یابدش. وی در این بستر شعری، از همان آغاز، به گونه‌ای دخالت داده شده که دو خانه پیش رو دارد: یکی خانهٔ قدیمی، و دیگری خانه‌ای جدید، و بر آن است که به ترک خانهٔ قدیمی بپردازد و خانهٔ جدیدش را جستجو کند؛ از این رو این بار نه به قصد تجارت، بلکه به قصد امری مهم‌تر پای در سفر می‌نهد، البته با یادآوری سرگذشت تلخ و شیرین خود که چگونه در سفرهای پیشینش، «غول» را شکست داده و از دستش گریخته، و چگونه «شیطان» را مست نموده. و او را به قتل رسانده است، و چگونه ازدست مردمانی جان سالم به در برده که قصد داشتند بر طبق سنت‌های خود، وی را زنده زنده به همراه همسر مرده‌اش در خاک دفن کنند، امّا او با ایجاد شکافی در قبرش از آنجا نیز گریخته است. سندباد این بار نیز امیدواراست تا بخت با او یار شود و از هشتمین سفرش، همچون قبل، سالم باز گردد:

المدى مِن رمادٍ إذنْ

و السواحلُ باكيةٌ، تَنحنى:

ليلُه حَجرٌ جَارحٌ، و نَهاراتُه مِن رِمادْ

حَطبٌ مركَبُ السندباد». (العلاق،۱۹۹۸م،ص۳۹)

سندباد در شعر علی جعفر العلاق تابعِ تجربه‌های اوست، و شاعر با زبدگی بالا آن شخصیت را در راستای این امر پرورانده است، به نحوی که بین چهرهٔ کهن وی با چهرهٔ معاصرش نوعی همسویی دیده می‌شود؛ سندباد با اینکه سر در میراث کهن دارد امّا در این بسترِ شعری باز هم یک ماجراجو، پوینده، کوچنده و خطر پذیر است، و البته دست به سفر جدید نیز زده است. بنابراین برداشت، به اصرار باید گفت: کاربست سندباد در شعر علی جعفر العلاق ذهنیتی تکراری و ترجیع بندوار نیست بلکه از آن، اندیشه و مفاهیمی جدید برمی‌خیزد.

۲-۶. اسطوره عشتار و گیل گمش

ایشتار نام یکی از الهه‌های آشوری است. ایشتار (عشتار) همتای اینانای سومری‌ها و مرتبط با الهه سامیان شمال غربی یعنی الهه عشتروت است. آنونیت، آستارته و آتارسامَین نام‌های دیگری برای ایشتار هستند. در اسطوره‌ها او را ایزدبانوی نشاط عشق می‌دانند. عشتار نمادی از حاصلخیزی و باروری می باشد که شاعر علی جعفر العلاق در دیوان خود آن را بکار برده و آن امید شاعر به احیاء دوباره عراق همانند عراق قدیم، این چنین شاعر با این رموز در ذهن خویش برای تحریک خواننده وی را به حرکت وا می دارد:

وكانَ النهارُ يصعدُ عذباً

من سواقي" أوروكَ".

يُلقى

لعشتارَ رداءَهُ

تتعالى غيمةٌ من سريرِها

الخصبِ

يعلو طائرٌ من ثيابها

كغزالٍ ،

أهوَ كلكامشٌ؟ هتفتُ

www.SID.ir

Archive of SID

فضجَّتْ أنهرٌ ثرةٌ، وفاضَ نهارٌ
والغيومُ تكسَّرتْ ، سالَ منها
الضوءُ والعنبرُ القديمُ..
غسَلنا خيلَنا بالحنينِ
أيُّ سريرٍ خضَّبَ الكونَ فجأةً؟

از دیدگاه میرچا الیاده اسطوره شناس بزرگ و برجسته «اسطوره، نقل کنندهٔ سرگذشتی قدسی و مینوی» است، راوی واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت هر چیز، رخ داده است . به بیانی دیگر، اسطوره همیشه متضمن روایت یک« خلقت » است. یعنی به ما میگوید چگونه چیزی پدید آمده، موجود شده و هستی خود را آغاز کرده است. اسطوره فقط از چیزی که واقعاً روی داده و به تمامی پدیدار شده، سخن میگوید. شخصیتهای اسطوره، موجودات مافوق طبیعی هستند (به نقل از کریمی.الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴ -۱۵). و در ادامه قصیده به اسطوره گیل گمش اشاره دارد:

الأباريقُ طيورٌ
وغبطةٌ، والأغانى
تنضحُ الماءَ
كالجرارْ..
كلكامشُ،
أخى القديمَ، طائرىَ القديم
كم بكيت
عليكَ ، كم ضعتُ
وكم أضعتُ
كم هدمتُ من مغارةٍ
سوداءَ، كم بنيتْ
فأينَ كنتَ؟
وفى عروقِ أىِّ جرَّةٍ
قديمةٍ ، ومن هتافِ أى غيمةٍ
أتيتْ..؟"

آنیما: آنیما و آنیموس از جمله مهمترین کهن الگوهایی هستند که همواره ذهن بشر را تحت‌تأثیر قرار داده-اند. «یونگ زن مخفی در روان مرد را آنیما و مرد مخفی در روان زن را آنیموس می‌نامد.» (فوردهام، ۲۵۳۶: ۹) «آنیما در مرد باعث بروز خصلت‌های زنانه و تمایل و علاقه او به زبانی درمانده و مردد می‌شود و آنیموس در زنان باعث بروز خصلت‌های مردانه و قهرمان‌گونه می‌شود.»(کالوین، ۱۳۷۵: ۶۹) آنیما بر روان اخوان تأثیرگذار بوده است.هنگامی که شاعر به طور ناخودآگاه واژهٔ زن را به زبان می‌آورد و او را مخاطب قرار می‌دهد، این امر نشأت گرفته از تأثیر آنیمای درون او است:

بگو ای زن، بگو دیشب چرا خواب تو را دیدم،
کجا بودیم؟
[با هم از کجا می‌آمدیم، آن وقت شب تنها؟] (اخوان(۴)، ۱۳۷۹: ۳۴)

جنبهٔ روشن آنیما باعث می‌شود که شاعر وجود خود را با او یکی ببیند و معشوق خود را ستایش کند و لحظه‌های با او بودن را زیباترین لحظات زندگی بنامد:

«ای تکیه-گاه و پناه
زیباترین لحظه-های
پر عصمت و پر شکوه
تنهایی و خلوت من!» (اخوان(۸)،۱۳۶۳: ۷۳)

www.SID.ir

Archive of SID

تجربهٔ عشقی اخوان در دوران جوانی و عشق به زنی به نام توران نیز از آثار آنیمای ذهن او بوده است. او معشوق خود را ستایش می‌کند و فقدان او ضربهٔ سنگینی بر روحش وارد می‌آورد؛ به طوری که در شعرهای ارغنون و زمستان به آثار دوری از او اشاره-هایی دارد؛ بنابراین آنیمای ذهن اخوان نمی-گذارد معشوق فراموش شود:

آه! ای سنگین دل دیر آشنا، توران من
جانم از جان بهتر من، دین من، ایمان من (اخوان(۱)،۱۳۷۵: ۰ ۲۸)

غول، دیو: غول و دیو از کهن الگوهایی هستند که ذهن بشر را همواره به خود مشغول کرده‌اند. در شعر اخوان نیز اشاره‌هایی به این موجودات خیالی و ترسناک شده است:

من نمی‌دانم کدامین دیو
به نهانگاه کدامین بیشه افسون،
در کنار برکه جادو، پرم در آتش افکنده است.
لیک می‌دانم دلم چون پیر مرغی کور و سرگردان
از ملال وحشت و اندوه آکنده است. (اخوان(۸)،۱۳۶۳: ۱۲۲)

و یا در جائی دیگر چنین زیبا می سراید:

و در آن چشمه هایی هست
که دایم روید و روید گل و برگ بلورین بال شعر از آن
و مینوشد از آن مردی که میگوید :
«چرا بر خویشتن هموار باید کرد رنج آبیاری کردن باغی کز آن گل کاغذین روید؟»
بانجائی که میگویند روزی دختری بوده‌ست
که مرگش نیز چون مرگ تاراس بولبا نه چون مرگ من و تو مرگ پاک دیگری بوده‌ست.
(أخوان ثالث، ۱۳۷۰ه.ش: ۹۴و۹۵).

۷- نتایج پژوهش

اسطوره های کهن که از دیرباز شکل حماسی به خود گرفته اند و به صورت افسانه های پیشینیان و سروده های پهلوانی کیان در میان مردم، به ویژه در ایالات شرقی ایران بر سر زبان ها بودند در مسیر سیر تکوینی چند هزار ساله خود که توسط رامشگران دوران خود «به نوی» سروده و بازگو می شدند دچار تغییرات بسیار شده و نوآیین شده اند. در تبدیل اسطوره به حماسه از جلوه های شگفت رویدادها کاسته شده و چیزها جنبه عادی و این جهانی به خود گرفته اند. اسطوره ها با این که مربوط به دوران باستان هستند عناصر پویایی اند و هم چنان به حیات خود ادامه می دهند.تمام نویسندگان و شاعران به نحوی از آن ها در شعر خود استفاده کرده اند.. سندباد گرچه ریشه در سنت کهن دارد و در داستان‌های هزار و یک شب حضور داشته، امّا سر از قرن بیستم و شعر معاصر عربی در آورده و این امر نشان از آن دارد که سندباد شخصیتی است فعّال و پویا که قابلیت این را دارد تا از مرز زمان بگذرد و تجربه های مختلفی بر دوش بکشد. سندباد در بستر شعریِ ایندو شاعر، شخصیتی است نمادین که بر خلاف چهرهٔ پیشین خود، دست به سفر هشتم می‌زند و با خطرپذیریِ نوینش، به دنبال دگردیسی‌های شخصی و جمعی است، و در دیگر سوی، تسلیم طوفانِ سهمگین مرگ می‌شود و در سفرش بازگشتی تجربه نمی‌کند. در شعر مهدی اخوان ثالث نیز آیما و آنیموس و غول و تاراس بولبا،و دیگر اساطیر همچون پرسونا، سایه و شدو در شعرش تجلی یافته است.

منابع و مأخذ

۱. ابن منظور. (۱۴۱۲). لسان العرب، جلد ششم. بیروت: دار أحیاء التراث العربی. مؤسسهٔ تاریخ جهانی.
۲. اسماعیل ، عزّالدین.(۱۹۸۸). الشعر العربی المعاصر . بیروت: دارالعودهٔ. چاپ اوّل.
۳. إبراهیم، نبیلهٔ،(۱۹۷۶م) ، **الإنسان و الزمن فی التراث الشعبی**، مجلهٔ الأقلام، بغداد أیار ۱۹۷۶م، العدد ۸.
۴. اخوان ثالث، مهدی (۱) (۱۳۷۵)، ارغنون، چاپ دهم، تهران، مروارید.
۵. ـــــــــ (۲) (۱۳۶۲)، از این اوستا، چاپ ششم، تهران، مروارید.
۶. ـــــــــ (۸) (۱۳۶۳)، آخر شاهنامه، چاپ هشتم، تهران، مروارید.

www.SID.ir

Archive of SID

۷. ـــــــــ (۳) (۱۳۷۱)، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، چاپ چهارم، تهران، مروارید.
۸. ـــــــــ (۶) (۱۳۷۲)، زمستان، چاپ سیزدهم، تهران، مروارید.
۹. ـــــــــ (۴) (۱۳۷۹)، درحیات کوچک پاییز در زندان، چاپ یازدهم، تهران، زمستان.
۱۰. ـــــــــ (۵) (۱۳۷۹)، دوزخ اما سرد، چاپ نهم، تهران، زمستان.
۱۱. ـــــــــ (۷) (۱۳۷۹)، زندگی می-گوید: اما باید زیست... ، چاپ نهم، تهران، زمستان.
۱۲. ـــــــــ(۹) (۱۳۸۶)، زمستان، چاپ بیست وچهارم، تهران، زمستان.
۱۳. بلحاج، کاملی، (۲۰۰۴) «أثر التراث الشعبی فی تشکیل القصیدۀ العربیۀ المعاصرۀ»، دمشق، اتحاد الکتاب العرب، چاپ اول.
۱۴. الجیدۀ، عبدالحمید. (۱۹۸۰). الإتجاهات الجدیدۀ فی الشعر العربی المعاصر. بیروت: مؤسسۀ نوفل. چاپ اوّل.
۱۵. حمّود، محمد. (۱۹۹۶). الحداثۀ فی شعر العربی المعاصر. بیروت: الشرکۀ العالمیّۀ للکتاب. چاپ اوّل.
۱۶. خورشید، فاروق. (۲۰۰۴) . ادیب الأسطوره عند العرب. مکتبۀ الثقافۀ الدینیّۀ. چاپ اوّل.
۱۷. الخضراء الجیوسی، سلمی. (۲۰۰۱). الإتجاهات و الحرکات فی شعر المعاصر العربی الحدیث. بیروت: مرکز دراسات الوحدۀ العربیّۀ.
۱۸. رشیدیان، بهزاد. (۱۳۷۰). بینش اساطیری در شعر معاصر فارسی. تهران: گستره.
۱۹. عباس ، احسان (۲۰۰۱) ، الإتجاهات الشعر العربی المعاصر ، الأردن : دار الشرق ، الطبعۀ الثالثۀ.
۲۰. العلاق، علی جعفر،(۱۹۹۸م) ، **الأعمال الشعریۀ الکاملۀ**ـ بیروت: المؤسسۀ العربیۀ للدراسات و النشر، الطبعۀ الأولی.
۲۱. العلاق، علی جعفر،(۲۰۰۸م) ، **البحار و الظماء**، فصلیۀ محکمۀ: الأقلام، العدد ۲۵و۲۶.
۲۲. عوّاد، میخائیل،(۱۹۶۲) «ألف لیلۀ و لیلۀ»، بغداد، مرآۀ الحضارۀ و المجتمع فی العصر الإسلامی.
۲۳. القلماوی، سهیر، (۱۹۵۹) «ألف لیلۀ و لیلۀ»، مصر، دارالمعارف.
۲۴. کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۷۲). رؤیا ، حماسه ، اسطوره. تهران: نشر مرکز.
۲۵. کفافی، محمّد عبدالسلام (۱۳۸۲). «ادبیات تطبیقی»، ترجمه؛ سیبد حسین سیّدی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۶. مقدسی، أنیس.(۱۹۶۳). الإتجاهات الأدبیۀ فی العالم العربی الحدیث. بیروت: دار العلم للملائین.
۲۷. نجفی ایوکی، علی (۱۳۸۹) «اسطوره برجسته در شعر عبدالوهاب البیاتی» ، مجله ادبیات و علوم انسانی سابق، شماره ۲ ، صص ۱-۲۶
۲۸. ولک، رنه و استین وارن. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. چاپ اول. تهران : نشر علمی و فرهنگی.
ضیف، شوقی. (۱۳۷۶).«البحث الأدبی». ترجمه: عبدالله شریفی خجسته. ط۷. القاهرۀ: دارالمعارف.
فوردهام، ف. (۲۵۳۶)، مقدمه-ای بر روانشناسی یونگ، ترجمه میربهاء، م. ، تهران، اشرفی.
کالوین، اس، هال و دیگران (۱۳۷۵)، مبانی روانشناسی تحلیلی یونگ، مترجم محمدحسین مقبل، تهران، مرکز فرهنگی و انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد تربیت معلم.

www.SID.ir